

آریا آریاپور

باور نمی‌کند که باور کرده است و

باور که نمی‌کند

باور نمی‌کند که باور نکرده است

داستایوفسکی گذاشت این تخمِ دو زرده را در

آشیان نیمه خوابِ استاورگین؛

پرنده بر سر شاخه نشست و به شاخه گفت.

شاخه بر درِ خانه‌ی داستایوفسکی نوشت:

به پاکِ دلِ سونیا و باورِ بی باوران

که باورِ بی باوران

شکلِ کمرنگ و ساده و غمگینی از اشکال باور است.